



### Differences in Inferential Criteria in Worship and Non-worship Rulings

**Dr. Saeed Ziyaei Far**



, Professor of external courses at Qom seminary and associate professor at the Research Institute of Islamic Sciences and Culture

Email: ziyaei.saeid@isca.ac.ir

#### Abstract

One of the topics worthy of research is the difference between worship and non-worship rulings in terms of inference and their form. This issue has been investigated in this essay, using on the descriptive-analytical method.

The most important differences obtained are: the first rule is a) being shar'i of the nature, ruling and criterion of worship rulings, b) rationality of the nature, ruling and criterion of non-worship rulings c) discovering the position of the Shari'ah from the none rejected Sirah in worship rulings and not discovering his position from the non-rejected Sirah in non-worship d) the implication of innocent Imam's act on recommendation in acts of worship and not implying recommendation in non-worship, the first rule is the stability of quantitative restrictions in acts of worship and the absence of such a rule in non-worships, the first rule is the issuance in the place of expressing the position of the Shari'ah in acts of worship and the absence of the first rule in acts of none worship, the first rule is non-generalization in acts of worship and the absence of the first rule of non-generalization in acts of none worship.

**Key words:** rules of inference, worship rulings, non-worship rulings, specialization of ijti'hād.





HomePage: <a href="https://jfiqh.um.ac.ir/">https://jfiqh.um.ac.ir/</a>	سال ۵۵ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۳۳ - تابستان ۱۴۰۲، ص ۱۶۵ - ۱۴۹	
شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۳۸۹۲	شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۳۹	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۲۲	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۳
DOI: <a href="https://doi.org/10.22067/jfiqh.2022.74353.1257">https://doi.org/10.22067/jfiqh.2022.74353.1257</a>	نوع مقاله: پژوهشی	

## تفاوت‌های ضوابط استنباطی در احکام عبادی و غیر عبادی

دکتر سعید ضیائی فر

استاد درس خارج حوزه علمیه قم و دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

Email: ziyaei.saeid@isca.ac.ir

### چکیده

یکی از موضوعات درخور تحقیق تفاوت میان احکام عبادی و غیر عبادی در ضوابط استنباطی و وجه آن است. در این جستار با تکیه بر روش توصیفی تحلیلی این مسئله مورد کاوش قرار گرفته است. مهم‌ترین تفاوت‌های به‌دست‌آمده عبارت‌اند از: قاعده اولی شرعی بودن ماهیت، حکم و ملاک احکام عبادی و عقلانی بودن ماهیت، حکم و ملاک احکام غیر عبادی، کشف موضع شارع از سیره ردع نشده در احکام عبادی و عدم کشف موضع وی از سیره ردع نشده در غیر عبادی، دلالت فعل معصوم بر استحباب در عبادیات و عدم دلالت بر استحباب در غیر عبادیات، قاعده اولی ثبات تحدیدهای کمی در عبادات و نبود چنین قاعده‌ای در غیر عبادات، قاعده اولی صدور از شأن بیان موضع شریعت در عبادیات و نبود قاعده اولی در غیر عبادیات، قاعده اولی عدم تعدی در عبادیات و نبود قاعده اولی عدم تعدی در غیر عبادیات.

**واژگان کلیدی:** ضوابط استنباط، احکام عبادی، احکام غیر عبادی، تخصصی شدن اجتهاد.

## مقدمه

یکی از ضروری‌ترین مباحث اجتهاد در عصر حاضر، تخصصی‌شدن آن است. تخصصی‌شدن اجتهاد به امور گوناگونی وابسته است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها تخصصی‌شدن ضوابط اصولی است. بسیاری از ضوابط اصولی همان طور که در عبادات معتبرند در غیرعبادات هم معتبرند. فقیهان در هر دو حوزه از آن‌ها استفاده می‌کنند، ولی آیا ضابطه‌ای اصولی وجود دارد که در عبادات معتبر باشد و در غیرعبادات هم معتبر نباشد و برعکس؟ یا آیا ضابطه‌ای اصولی وجود دارد که در عبادات به‌گونه‌ای معتبر و در غیرعبادات به گونه‌ای دیگر معتبر باشد؟ این بررسی، بررسی جدیدی است که نگارنده برای آن سابقه‌ای در میان دانشوران اصول و فقه سراغ ندارد.

روشن است که عبادات با غیرعبادات در برخی احکام فقهی تفاوت دارند؛ مانند قصد قربت،<sup>۱</sup> ولی آیا میان این دو از نظر ضوابط و نکات استنباطی هم تفاوتی وجود دارد یا نه؟ به تعبیر دیگر، ضوابط و شیوه‌های استنباط در عبادات و غیرعبادات یکی هستند یا برخی تفاوت‌ها میان آن‌ها وجود دارد؟ در علم اصول رایج، از آغاز تلاش شده است تا ضوابط استنباط حکم فقهی فراهم شود و در این باره به احتمال تفاوت ضوابط استنباطی در عرصه‌های مختلف (نظیر عرصه عبادات و عرصه غیرعبادات) یا اصلاً توجه نشده است یا توجه تأثیرگذاری صورت نگرفته است؛ از این رو، مشاهده نمی‌شود تلاش در خور توجهی برای ارائه ضوابط اختصاصی هر حوزه صورت گرفته باشد، مثلاً نمی‌بینیم که دانشوری گفته باشد که این یک یا چند ضابطه اصولی به استنباط احکام عبادی اختصاص دارد و آن چند ضابطه اصولی به استنباط احکام غیرعبادی اختصاص دارد و بقیه ضوابط استنباطی هم در هر دو قلمرو، اعتبار و کارایی دارند، بلکه برخی به عدم تفاوت تصریح کرده‌اند.<sup>۲</sup> آری برخی دانشوران علم اصول اعتقاد دارند: نهی از عبادت، بر فساد آن دلالت می‌کند، ولی نهی از معامله بر فسادش دلالت نمی‌کند.<sup>۳</sup> به برخی هم نسبت داده‌اند که گفته‌اند: در عبادات، حقیقت شرعی ثابت است، ولی در معاملات ثابت نیست.<sup>۴</sup> به این مسئله از زاویه تفاوت اعتبار ضوابط اصولی در عبادات و غیرعبادات پرداخته نشده است.

در خصوص پیشینه بحث باید گفت: گرچه این بحث جدید است که در میان دانشوران بررسی نشده است، ولی به معنای عدم اشاره به آن نیست. برخی دانشوران در لابه‌لای برخی بحث‌های فقهی و اصولی

۱. کاشف الغطاء، النور الساطع، ۱/۱۴؛ مکارم شیرازی، أنوار الفقاهة، ۲۵/۱.

۲. مؤمن، اصول فقه حکومتی، ۲۱۶.

۳. آخوند خراسانی، کفایة الأصول، ۱۸۶ تا ۱۸۷.

۴. صاحب‌جواهر، جواهر الکلام، ۱۲۷.

خویش اجمالاً به تفاوت این دو حوزه اشاره کرده‌اند؛ برای نمونه، وحید بهبهانی به برخی از نکات در فرق استنباط عبادات و معاملات اشاره کرده است؛ مانند توقیفی بودن موضوعات احکام عبادی و غیرتوقیفی بودن موضوعات احکام غیرعبادی<sup>۱</sup> و در پایان چنین نتیجه گرفته است: شیوه استدلال در عبادات با شیوه استدلال در معاملات متفاوت است و کسی که فرق میان این دو را نداند و میان آن دو به تفاوت قائل نباشد از اول تا آخر فقه خراب‌کاری فراوانی در فقه ایجاد می‌کند.<sup>۲</sup> از حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی نقل شده است که هریک از باب‌های فقهی، متخصصی جداگانه لازم دارد<sup>۳</sup> که یکی از جنبه‌هایی که در تخصصی شدن آن تأثیر دارد، اختصاصی بودن برخی از ضوابط و نکات استنباطی است. برخی دیگر هم به صورت سربسته گفته‌اند: استنباط همه مسائل فقهی به شیوه‌ای یکسان نیست<sup>۴</sup> که ممکن است به تفاوت ضوابط اصولی در ابواب مختلف فقهی اشاره داشته باشد. برخی از معاصران هم عدم تفاوت استنباط در دو حوزه عبادات و غیرعبادات را نقد کرده، ولی ضوابط اصولی متفاوتی حتی برای نمونه برای این دو حوزه ذکر نکرده‌اند.<sup>۵</sup> در هر حال تا آنجا که نگارنده بررسی کرده است تاکنون این مسئله در حد یک مقاله هم بررسی نشده است، ولی ما در این نوشتار تلاش می‌کنیم که برخی نکات و ضوابط اصولی که در استنباط احکام عبادی و احکام غیرعبادی با هم فرق می‌کند، مشخص کنیم. بنا بر دیدگاه نگارنده، نکات و ضوابط استنباطی بر سه قسم‌اند. بیشتر آن‌ها مشترک‌اند و در هر دو حوزه اعتبار دارند. برخی از آن‌ها به استنباط احکام عبادی و برخی از آن‌ها به استنباط احکام غیرعبادی اختصاص دارند. بنابراین، اگر یک تفاوت از تفاوت‌هایی که در آینده ذکر می‌کنیم هم ثابت شود آن ادعا ثابت می‌شود، در حالی که تفاوت‌ها بیش از یکی است.

قبل از بحث، لازم است مراد خویش را از مبادی تصویری بحث روشن کنیم.

**أ. ضوابط اصولی و استنباطی:** فقیه در استنباط، از قواعد فقهی و ضوابط اصولی و قرائن موردی استفاده می‌کند. قسم سوم، کلی نیست و تحت ضابطه‌ای در نمی‌آید، بلکه به حسب مورد است. اما دو قسم اول، کلی‌اند و قابلیت استفاده در موارد فراوانی را دارند؛ با این تفاوت که قاعده فقهی، حکم شرعی کلی است که فقیه زیر مجموعه‌های آن را تطبیق می‌دهد، ولی ضابطه اصولی حکم شرعی نیست، بلکه ابزاری

۱. بهبهانی، الفوائد الحائریة، ۹۷.

۲. بهبهانی، الفوائد الحائریة، ۱۰۰.

۳. استادی، شرح احوال حضرت آیت الله العظمی اراکی، ۲۹۸.

۴. فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعة، ۱۳۶ تا ۱۳۷.

۵. سروش، فقه در ترازو، ۳۲؛ فنائی، اخلاق دین‌شناسی، ۲۸۰ به بعد.

است که با به‌کارگیری آن حکم شرعی استنباط می‌شود. به تعبیر اصطلاحی، کار فقیه در قاعده فقهی از قبیل تطبیق است، ولی کار فقیه در ضابطه اصولی از قبیل تطبیق نیست؛ بلکه از قبیل استفاده از ابرازی برای استنباط حکم فقهی است.<sup>۱</sup>

### ب. تعیین معنای مراد از عبادت

عبادی و معاملی (غیرعبادی) کاربردهای متعددی دارد.<sup>۲</sup> مراد ما در این نوشتار از عبادت هر چیزی است که بعد اصلی آن، رابطه انسان با خداست و دین پایه‌گذار آن است و غرضِ اهم آن اخروی است؛ نظیر نماز، حج، روزه و...<sup>۳</sup> و مراد از غیرعبادی چیزی است که بعد اصلی آن رابطه انسان با خدا نیست و دین پایه‌گذار آن نیست و غرضِ اهم آن دنیوی است؛ نظیر بیع، اجاره، بیمه و امثال آن که شریعت راجع به این‌ها نقش تأییدگری و در برخی موارد همراه با اصلاح و تغییر داشته است.<sup>۴</sup>

به نظر نگارنده می‌توان تفاوت‌هایی میان ضوابط و نکته‌های استنباطی عبادات و غیرعبادات در نظر گرفت و آن‌ها را به شکل زیر دسته‌بندی کرد:

أ. نکات و ضوابط استنباطی که تنها در باب عبادات اعتبار دارند؛

ب. نکات و ضوابط استنباطی که تنها در باب غیرعبادات حجت‌اند؛

ج. نکات و ضوابط استنباطی که در هر دو باب معتبرند.

بیشتر ضوابط اصولی از قسم سوم‌اند و به دلیل بحث‌های فراوان در خصوص آن‌ها در این نوشتار درصدد بررسی آن‌ها نیستیم.

تخصصی شدن اجتهاد معنای گسترده‌ای دارد.<sup>۵</sup> یکی از زیرمجموعه‌های آن این است که برای هر بابی از ابواب فقهی نظیر قضاوت یا بخشی از احکام فقهی؛ نظیر عبادات، افزون بر قواعد و نکات استنباطی مشترک در همه ابواب و بخش‌ها، برخی نکات و ضوابط مخصوص به آن باب، نظیر باب قضا یا آن بخش، نظیر بخش عبادات، ساخته و پرداخته شود و فقیه مستنبط در آن باب، نظیر فقه قضا یا در آن بخش نظیر فقه عبادات، با به‌کارگرفتن آن ضوابط و نکات و ریزه‌کاری‌ها در یک باب یا بخش فقهی متخصص شود.

یادآور می‌شود که این آغاز راهی طولانی است که سختی‌ها و تلاش‌های علمی فراوانی را می‌طلبد تا

۱. صافی اصفهانی، الهدایة فی الأصول، ۱/۱۷.

۲. آل کاشف الغطاء، تحریر المجلة، ۱/۲۹۴.

۳. شهید اول، القواعد و الفوائد، ۱/۳۵.

۴. شهید اول، القواعد و الفوائد، ۱/۳۴؛ بهبهانی، الفوائد الحارثیة، ۹۷.

۵. نک: ضیائی فر، «معنا و اقتضانات اجتهاد تخصصی در عبادات و غیرعبادات براساس آیه‌الله عبدالکریم حائری یزدی»، جستارهای فقهی اصولی، ۲۸/۲۸.

بتوان در پرتو آن به سر منزل مقصود رسید و انتظار اینکه با مقاله‌ای علمی بتوان پرونده این بحث علمی درازدامن را بست، انتظاری بسیار عجولانه است و با واقعیت بسیار فاصله دارد. اینک برخی از تفاوت‌ها که نگارنده طی سال‌های متمادی و با مطالعات و تأملات فراوان به آن‌ها دست یافته است به محضر خوانندگان فرهیخته عرضه می‌دارد، به امید آنکه از یک سو محققان، بیشتر این تفاوت‌ها را شناسایی کنند و از سوی دیگر، با نقدهای علمی منصفانه این بررسی متکامل‌تر و منقح‌تر شود.

## ۱. قاعده اولی تعبدی بودن حکم عبادات و قاعده اولی عقلایی بودن حکم

### غیر عبادات

در احکام عبادات، علی القاعده جایی برای مداخلات عقلی و عقلایی نیست؛ چراکه عبادات از اختراعات شارع است. به صورت طبیعی به مخترع آن‌ها؛ یعنی شارع باید مراجعه کرد و فهمید که شارع چه حکمی درباره آن‌ها دارد،<sup>۱</sup> ولی غیر عبادات از اختراعات شارع نیست، بلکه از امور عقلایی اند و به صورت طبیعی به مخترع آن‌ها یعنی عقلا باید مراجعه کرد و فهمید که آنان چه دیدگاهی درباره آن‌ها دارند. آری، انسان متدین می‌خواهد در همه عرصه‌های زندگی، از جمله غیر عبادات به نظر شارع عمل کند، در مواردی که شارع نظر مخالفی با نظر عقلا درباره حکم آن‌ها دارد، نظر شارع باید اخذ شود؛ لذا می‌گوییم قاعده اولی این است که حکم غیر عبادات همان حکم عقلایی است، مگر اینکه به دلیل معتبری ثابت شود که شارع نظر دیگری دارد و دخل و تصرفی در حکم عقلایی کرده است.<sup>۲</sup>

## ۲. توقیفی بودن مفهوم عبادات و عرفی بودن مفهوم غیر عبادات

اصل اولی درباره مفهوم عبادات، توقیفی بودن است؛ یعنی باید به شیوه معتبری از سوی شارع دریافت کرد که چه مفهوم و ماهیتی دارد و نمی‌توان تنها با مراجعه به معانی لغوی یا با تحلیل‌ها و تأملات عقلانی درباره مفهوم و ماهیت عبادات اظهار نظر کرد،<sup>۳</sup> ولی مفهوم و ماهیت غیر عبادات عقلانی است؛ یعنی بنا بر قاعده باید به عرف عقلا مراجعه کرد و فهمید که چه مفهومی دارند.<sup>۴</sup> برخی اینکه مفهوم عبادات توقیفی اند و مفهوم معاملات توقیفی نیستند به اتفاق فقهای امامیه نسبت داده‌اند<sup>۵</sup> و دلیل آن روشن به نظر می‌رسد؛ چون

۱. بهبهانی، مصابیح الظلام، ۳۱۳/۱؛ صاحب‌جواهر، جواهر الکلام، ۷/۵ و ۵۳/۷.

۲. بهبهانی، مصابیح الظلام، ۳۶۷/۳؛ منتظری، دراسات فی مکاسب المحرمه، ۳۴۰/۱؛ سبحانی تیریزی، کتاب النکاح، ۱۱۴/۱.

۳. بهبهانی، الفوائد الحائریه، ۴۷۶.

۴. حسینی حائری، فقه العقود، ۲۱۳/۱.

۵. عاملی، مفتاح الکرامه، ۲۲۱/۱۵.

عبادات از اختراعات شارع است و به صورت طبیعی به مخترع آن‌ها یعنی شارع باید مراجعه کرد و فهمید که شارع چه مفهومی برای موضوع حکمش در نظر گرفته است و چه عناصری در آن گنجانده است، ولی غیرعبادات از اختراعات شارع نیست، بلکه از امور عقلانی‌اند، بنا بر قاعده به مخترع آن‌ها یعنی عقلا باید مراجعه کرد و فهمید که چه مفهومی دارند و آنان چه اموری در آن‌ها گنجانده‌اند،<sup>۱</sup> مگر جایی که دلیل معتبری بر دخالت شارع در آن وجود داشته باشد.

### ۳. قاعده اولی عقلایی بودن ملاکات غیرعبادات و توقیفی بودن ملاکات عبادات

همان‌طور که احکام غیرعبادی علی‌القاعده عقلانی است، ملاکات آن‌ها هم عقلانی است؛ یعنی علی‌القاعده همان ملاکاتی را دارند که عقلا برای احکامشان در نظر می‌گیرند و در نتیجه فهمیدنی و درخور استفاده در اجتهادند، مگر در جایی که شارع حکمی برخلاف حکم عقلا داشته باشد که نه ملاکش را بیان کرده باشد و نه به شیوه معتبر دیگری فهمیدنی باشد، ولی شناخت ملاکات عبادات علی‌القاعده موقوف به نص است؛ چون همه جنبه‌های احکام عبادی اختراعی‌اند و مخترع آن‌ها باید درباره آن‌ها اظهار نظر کند؛ از این رو عقل و عقلا راجع به شناخت ملاک‌های احکام عبادی احاطه‌ای ندارند<sup>۲</sup> و قطع به ملاک احکام عبادی از راه غیرنص حاصل نمی‌شود<sup>۳</sup> یا بسیار دیر حاصل می‌شود<sup>۴</sup> و اگر ملاکات احکام فهمیدنی نباشد، درخور استفاده در اجتهاد هم نخواهد بود.

### ۴. کشف دیدگاه شارع از سیره در عمل عبادی نه غیرعبادی

سیره‌ها از منظری بر دو قسم تقسیم می‌شوند: ا. سیره‌هایی که دلیل معتبری بر ردع آن‌ها از سوی شارع وجود دارد؛ ب. سیره‌هایی که دلیل معتبری بر ردع آن‌ها از سوی شارع وجود ندارد. بحث درباره سیره‌هایی است که دلیل معتبری بر ردع آن‌ها از سوی شارع وجود ندارد. اگر سیره مردم بر انجام عملی غیرعبادی به کیفیت خاصی بود (مانند خرید و فروش به شکل معاطات)، درباره آن، دو احتمال داده می‌شود؛ از سویی احتمال عقلایی داده می‌شود که به این کیفیت انجام دادن، منشائی عقلایی داشته باشد و مردم از حیثیت و شأن عقلایی‌شان به این کیفیت انجام داده‌اند و از سوی

۱. سبحانی تریزی، ارشاد العقول، ۳۳۵/۲.

۲. همدانی، مصباح الفقیه، ۳۷۹/۱۳.

۳. هاشمی شاهرودی، کتاب الحج، ۴۰۱/۴ و ۴۳۳.

۴. همدانی، مصباح الفقیه، ۹۰/۱ و ۲۱۰/۱۳.

دیگر، احتمال عقلایی داده می‌شود به این کیفیت انجام‌دادن، منشائی عقلایی نداشته باشد، بلکه آنان به این کیفیت به‌جا آوردن را از شارع گرفته باشند. در زمانی که دو احتمال عقلایی تاحدی هم‌وزن وجود دارد، نمی‌توان در این فرض از سیره رد نشده آنان دیدگاه شارع را به دست آورد؛ چون هر دو احتمال از نظر عقلایی موجه است، ولی اگر عمل، عملی عبادی باشد و به کیفیت خاصی انجام دادند (مانند بلندخواندن قرائت نماز در ظهر جمعه)، دو احتمال عقلایی هم‌وزن وجود ندارد، بلکه وزن یکی احتمال بسیار زیاد است و وزن احتمال دیگر بسیار کم است، به‌گونه‌ای که نمی‌توان آن را احتمال مدّ نظر عقلاً دانست (گرچه عقلاً احتمال داده می‌شود) و می‌توان در این فرض از سیره رد نشده آنان دیدگاه شارع را به دست آورد، چون هر دو احتمال از نظر عقلایی در یک سطح قرار ندارند، بلکه تفاوت چشم‌گیری میان آن دو وجود دارد؛ اینکه انجام عمل به کیفیت خاص از شارع گرفته نشده باشد عقلاً احتمال داده می‌شود، ولی این احتمال عقلایی نیست، طبع عمل عبادی اقتضا می‌کند که کیفیت انجام آن هم از شارع گرفته شده و به‌صورت سیره درآمده باشد، وگرنه احتمال اخذ کیفیت انجام عمل عبادی از غیر شارع به‌گونه‌ای که به‌شکل سیره درآمده باشد احتمالی بسیار ضعیف و غیرعقلایی است و چون فرض این است رد شارع به‌شیوه معتبری اثبات نشده است، پس از سیره آنان در عمل عبادی، موضع شارع کشف می‌شود.<sup>۱</sup>

## ۵. دلالت فعل معصوم بر استحباب در عبادات و عدم دلالت فعل معصوم بر استحباب در غیر عبادات

احکام تکلیفی به پنج قسم تقسیم می‌شوند: حرام، مکروه، مباح، مستحب و واجب. در غیر عبادات هر پنج قسم وجود دارد، ولی در میان عبادات مشروع و تأییدشده از سوی شارع فقط واجب یا مستحب وجود دارد، حتی عبادت مکروه نداریم<sup>۲</sup> و اگر معصوم (ع) عبادتی را انجام دهد دلالت بر استحباب آن می‌کند؛ چراکه در شریعت موردی نداریم که در عین عبادت بودن مرجوح یا مباح باشد، بلکه همیشه راجح (واجب یا مستحب) است؛ از این رو، از میان دو احتمال استحباب و وجوب، قدر یقینی و حداقل آن استحباب خواهد بود، نه اباحه<sup>۳</sup> و انجام آن از سوی معصوم هم بر حداقل که استحباب است دلالت می‌کند، ولی اگر معصوم (ع) غیر عبادتی را انجام دهد بر استحباب آن دلالت نمی‌کند؛ چراکه در غیر عبادات، مباح وجود

۱. صدر، بحوث فی علم الأصول، ۲۴۳/۴.

۲. مکروه در آنچه به‌عنوان عبادات مکروه شناخته می‌شود به‌معنای واقعی آن ندانسته‌اند، بلکه به این معنا دانسته‌اند که ثواب آن از فرد دیگر عبادت کمتر است (آخوند خراسانی، کفایة الأصول، ۱۶۴)؛ برای نمونه، به‌جا آوردن نماز در حمام یا روزه مستحبی در سفر، از به‌جا آوردن نماز در غیر حمام یا روزه مستحبی در حضر ثواب کمتری دارد نه اینکه ترک آن دو مطلوب‌تر باشد آن‌طور که معنای مکروه است.

۳. حیدری، الدروس شرح الحلقة الثانية، ۱۷۱/۲.



دارد. از این رو، از میان پنج احتمال مذکور، حرام و مکروه خارج است، چون معصوم مرتکب حرام و مکروه نمی‌شود. سه احتمال اباحه، استحباب و وجوب باقی می‌ماند و قدر یقینی و حداقل آن اباحه خواهد بود، نه استحباب. بنابراین ثابت می‌شود که فعل معصوم در عبادت، حداقل بر استحباب دلالت می‌کند ولی در غیرعبادت بر استحباب دلالت نمی‌کند، بلکه بر اباحه دلالت می‌کند.

## ۶. قاعده اولی حجیت ارتکازها و سیره‌های عقلایی جدید در غیرعبادات و قاعده اولی عدم حجیت سیره‌های عقلایی در عبادات

مفاد این اصل این است که هر سیره عقلایی جدید در قلمرو غیرعبادات علی القاعده حجیت است، مگر اینکه دلیل معتبر نقلی یا عقلی از آن رد کند؛ چراکه عقلا در این قلمرو بنیان‌گذارند و نظر آنان معتبر است، مگر جایی که شارع نظر آنان را ابطال کند. غیرعبادات از اختراع‌های شارع نیست، بلکه از امور عقلایی است و به صورت طبیعی به مخترع آن، یعنی عقلا باید مراجعه کرد و فهمید که آنان چه دیدگاهی درباره آن دارند، پس رفتار و ارتکاز آنان است که دیدگاه آنان را منعکس می‌کند، ولی از آنجاکه انسان متدین می‌خواهد در همه عرصه‌های زندگی از جمله معاملات به نظر شارع عمل کند باید به گونه‌ای عدم مخالفت شارع را با سیره و ارتکاز عقلا احراز کند و این در صورتی احراز می‌شود که: ۱. شارع از آن سیره و ارتکاز خبر داشته است؛ ۲. با آن مخالفتی نداشته است.

بسیاری از اصولیان خبرداشتن شارع را به این صورت دانسته‌اند که سیره در زمانه و منطقه زندگی دنیوی معصوم باشد تا از آن خبر داشته باشد،<sup>۱</sup> ولی ما می‌گوییم چون شریعت اسلام جاودانه است، شارع اسلام به همه وقایعی که در طول زمان شریعت جاودانه‌اش رخ می‌دهد آگاهی دارد، وگرنه لازم می‌آید تشریحاتش از روی ناآگاهی باشد و این خلاف فرض است و پذیرفتنی نیست. لازمه آن این است که شارع اسلام به همه وقایعی که حکم شرعی می‌طلبد آگاهی داشته باشد، وگرنه لازم می‌آید کسی که صفت علم را ندارد برای مردم تشریح کرده باشد و این پذیرفتنی نیست، پس ثابت می‌شود که شارع اسلام به همه اموری که تا روز قیامت حکم شرعی می‌طلبد آگاهی داشته باشد و اگر در باره چیزی موضع منفی دارد آن را بیان کند. حال که آمدن تشریحات شارع تا روز قیامت است، اگر سیره یا ارتکازی در آینده شکل بگیرد از دو حال که میان نفی و اثبات است، خارج نیست یا موضع منفی در باره آن دارد یا موضع منفی در باره آن ندارد. در صورتی که موضع منفی در باره آن نداشته باشد مطلوب (قاعده اولی حجیت ارتکاز و سیره) ثابت می‌شود

۱. حلی، اصول الفقه، ۳۷/۹.

و اگر موضع منفی در خصوص آن داشته باشد از دو حال خارج نیست یا اعلام کرده و به شیوه معتبری به ما رسیده است، در این صورت در استثنا (نقطه مقابل قاعده اولی) قرار می‌گیرد و فقیه به عدم موافقت شارع با آن فتوا می‌دهد یا اعلام کرده و به ما نرسیده است، در این صورت برائت جاری می‌شود. برخی این دیدگاه را برگزیده‌اند؛<sup>۱</sup> چراکه افق دید شارع و شریعت اسلام تا روز قیامت است و شریعت اسلام وظیفه راهنمایی مردم تا روز قیامت را برعهده داشته و دارد. مقتضای علم شارع، اطلاع وی از امور مبعوض در احکام تکلیفی و امور غیر معتبر در احکام وضعی است که تا روز قیامت رخ می‌دهد و گرنه در صورت علم نداشتن، عقل نمی‌تواند حکم قانون‌گذار غیرعالم را بپذیرد. پس شارع تا روز قیامت را دیده و برای مردم تا آن زمان قانون‌گذاری کرده است، لذا در موارد متعددی از آینده و سیره‌ها و افعال مبعوض و غیرمعتبر خبر داده است.<sup>۲</sup> افزون بر این، از پیامبر(ص) به شکل معتبری نقل شده است که در خطبه حجة الوداع فرمود هر چیزی که باعث نزدیکی شما به بهشت و دوری شما از جهنم می‌شود، شما را به آن دستور دادم و هر چه که باعث دوری شما از بهشت و نزدیکی شما به جهنم می‌شود، شما را از آن نهی کردم.<sup>۳</sup> طبق این حدیث، پیامبر گرامی اسلام(ص) همه گفتمانی‌ها را که مردم تا روز قیامت لازم داشته‌اند گفته است. پس اگر سیره‌ای شکل گرفت و هیچ‌یک از عناوین منهی عنه و غیرمعتبر نقلی و عقلی بر آن صدق نکرد، آن سیره حجت خواهد بود. احتمال اینکه پیامبر(ص) و دیگر معصومان(ع) گفته باشند و به دست ما نرسیده باشد، در باره دینی که داعیه رهبری جهانی دارد احتمالی بسیار بعید است که از نظر عقلا در خور اعتنا نیست،<sup>۴</sup> خصوصاً با تأکیدهای فراوان پیامبر گرامی اسلام(ص) و اهل بیت(ع) درباره ضرورت انتقال آموزه‌های شریعت به نسل‌های بعدی.<sup>۵</sup> پس اگر شریعت در باره امری موضع منفی نداشت، هر چند آن امر در آینده رخ دهد، می‌فهمیم آن امر از نظر شریعت مشکلی ندارد و بر فرض کسی بگوید این احتمال وجود دارد ولی با ادله برائت، تنجیز آن برداشته می‌شود. پس اگر در واقع هم شارع از آن نهی کرده و آن را غیرمعتبر دانسته باشد؛ چون بیان وی به ما نرسیده است برائت جاری می‌شود. ولی در عبادات چون شارع بنیان‌گذار است، هر عبادتی لازم بوده بنیان‌گذاری کرده است و پرونده عبادات مشروع و معتبر با رحلت پیامبر گرامی اسلام(ص) بسته شده است؛ لذا نمی‌توان عبادت جدیدی را معتبر دانست هر چند سیره عقلا بر آن استقرار

۱. ضیائی فر، «قاعده اولی حجیت سیره‌های عقلانی در غیر عبادات»، ۲۷/۱۷.

۲. کلینی، الکافی، ۵/۵۹.

۳. کلینی، الکافی، ۲/۷۴.

۴. به ویژه با توجه به اینکه معصومان در بازه زمانی نزدیک به ۲۷۰ سال عهده‌دار بیان احکام بودند، افزون بر آن اگر کسی ادعا کند که این احتمال عقلایی و درخور توجه است، ادله برائت نافی آن است.

۵. کلینی، الکافی، ۱/۵۲۱ و ۲۸۹.

## ۷. قاعده اولی تفسیر مفاد نص به مرتکزات عقلایی در غیر عبادات و نبود قاعده اولی تفسیر مفاد نص به مرتکزات عقلایی در عبادات

اگر آیات و روایاتی که ناظر به امر عقلایی (مانند بسیاری از مباحث معاملات است) از جهتی (مثلاً از جهت سعه و ضیق قلمرو) دلالت روشنی نداشته باشند، در این صورت به همان قلمرو و دایره‌ای که نزد عقلا دارند تفسیر می‌شوند و به همان چیزی محدود می‌شوند که نزد عقلا مرتکز است؛ چون فراتر از آن به تعبد نیاز دارد و تعبد در باب معاملات خلاف قاعده اولی است، ولی در باب عبادات به مرتکزات عقلایی محدود نمی‌شود؛ چراکه شارع در عبادات مخترع است. اینکه مطلبی غیر از مرتکزات عرفی بگوید، متعارف و علی القاعده است، ولی در معاملات مخترع نیست. اینکه مطلبی فراتر از مرتکزات عرفی بگوید برخلاف قاعده است و به دلیل معتبری نیاز دارد و هنگامی که مجمل بود در قلمرو فراتر از قدر متیقن دلیل معتبری موجود نیست؛ برای نمونه، روایاتی داریم که «كُلُّ مَجْهُولٍ فِیهِ الْقُرْعَةُ»<sup>۱</sup> ظاهر ابتدایی این روایات گسترده است که این عموم از سوی فقیهان پذیرفتنی نبوده است،<sup>۲</sup> بلکه گفته شده است مشهور به این عموم عمل نکرده‌اند<sup>۳</sup> و لازمه این عموم، تقیید زدن فراوان آن است، به گونه‌ای که مستهجن به حساب می‌آید و از شارع حکیم صادر نمی‌شود. پس باید آن را به گونه‌ای و در قلمرویی تفسیر کرد که چنین پیامدی نداشته باشد. اگر گفته شود که قرعه امری تعبدی نیست، بلکه امری عقلایی است و عقلا در مواردی که راهی برای شناخت واقع و از بین رفتن تنازع یا پیشگیری از آن ندارند به قرعه مراجعه می‌کنند، بنابراین اطلاق روایات اعتبار قرعه به همان قلمرو عقلایی محدود می‌شود، همان طور که برخی چنین تحلیلی ارائه داده‌اند.<sup>۴</sup>

## ۸. قاعده اولی صدور از شأن بیان موضع شریعت در عبادات و نبود قاعده اولی در غیر عبادات

معصومان شئون مختلفی داشته‌اند<sup>۵</sup> و آنچه از برخی از شئون معصومان صادر شده است در خور استناد در استنباط و نشان‌دهنده موضع شریعت است (مانند آنچه از شأن ابلاغ، تفسیر و تشریح‌اند)، ولی

۱. حر عاملی، الفصول المهمة، ۱/ ۶۹۴.

۲. سبحانی تهریزی، کتاب النکاح، ۳۲۷/۱؛ روحانی، فقه الصادق (ع)، ۴۰۵/۱۶.

۳. آخوند خراسانی، کفایة الأهل، ۴۳۳؛ آل شیخ راضی، بدایة الوصول، ۴۰۷/۸.

۴. خمینی، تنقیح الأهل، ۴۳۵/۴.

۵. شهید ثانی، تمهید القواعد، ۲۴۱؛ ضیائی فر، فلسفه علم فقه، ۳۹۹.

آنچه از برخی شئون دیگر معصومان صادر شده است درخور استناد در استنباط و نشان‌دهنده موضع شریعت نیست (مانند آنچه از شأن عادی در استنباط حکم وضعی و شأن حکومتی صادر شده است).

آیا قاعده اولی در صدور روایت از شأن، بیان موضع شریعت معصوم است، چه در عبادات چه در معاملات یا برعکس؟ یا در این باره میان عبادات و غیرعبادات فرق است؟

به نظر می‌رسد باید در این زمینه تفصیل داد. محل بحث جایی است که نمی‌دانیم روایتی از شئون درخور استناد در استنباط معصومان صادر شده است یا از شئون غیرقابل استناد در استنباط؛ لذا این پرسش مطرح می‌شود که چه معیارهایی برای شناسایی این دو قسم می‌توان ارائه داد؟

ا. در حوزه عبادات قاعده اولی این است که از شأن بیان موضع شریعت صادر شده است. ادعای خلاف آن، دلیل معتبر می‌خواهد؛ چون فرض این است که شارع مختار عبادات است و او (و تبیین‌کنندگان شریعت)<sup>۱</sup> باید درباره جنبه‌های گوناگون آن‌ها اظهار نظر کند، پس هر چه می‌گوید یا انجام می‌دهد علی‌القاعده بیانگر موضع شریعت است،<sup>۲</sup> مگر اینکه دلیل معتبری خلاف آن را ثابت کند، همان طور که این مسئله درباره جلسه استراحت در نماز احتمال داده شده است.<sup>۳</sup>

ب. در حوزه غیرعبادات قاعده اولی وجود ندارد که از شأن بیان‌کننده موضع شریعت صادر شده است. ادعای صدور از شأن بیان‌کننده موضع شریعت به قرینه و دلیل معتبری نیاز دارد؛ چراکه شارع در غیرعبادات بنیان‌گذار نیست تا انتظار داشته باشیم هر چه می‌گوید یا انجام می‌دهد علی‌القاعده به دلیل بیان موضع شریعت باشد و همان طور که احتمال عقلایی بیان از موضع شریعت وجود دارد، احتمال عقلایی بیان از غیرموضع شریعت هم وجود دارد. احتمال بیان از موضع شریعت، به دلیل معتبر نیاز دارد (هرچند این دلیل، قرینه مقام پرسش از حکم مسئله باشد). افزون بر آن، در غیرعبادات چند احتمال وجود دارد و احتمال عقلایی صدور از دیگر شئون (غیر از شأن ابلاغ، تفسیر، تشریح)<sup>۴</sup> مانند شأن عادی، تطبیقی، حکومتی و... بسیار فراوان است. از این رو، اطمینان یا ظن قوی به صدور، از شأن بیان موضع شریعت حاصل نمی‌شود، همان طور که ادعای وجود سببه یا ارتکازی عقلایی در این باره به دلیل اثبات‌کننده‌ای نیاز دارد. همچنین ادعای صدور از شأنی که بیان‌کننده موضع شریعت است نیز به قرینه و دلیل معتبری نیاز

۱. مشهور، شارع را خدا و پیامبر می‌دانند و امامان معصوم را تبیین‌کنندگان شریعت به شمار می‌آورند، نه تشریح‌کنندگان احکام شرعی که جاودانه و ابدی‌اند.

۲. همان طور که در روایاتی از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده است: «خذوا عني مناسككم» (علم‌الهدی، الانتصار، ۲۵۴؛ ابن‌ادریس، السرائر، ۱/۶۰۷) یا «صلوا كما رأيتموني اصلي» (علم‌الهدی، الانتصار، ۱۵۲).

۳. شهید اول، القواعد و الفوائد، ۲۱۱/۱.

۴. مراد از شأن تشریح، معنای خاص آن است؛ یعنی جعل حکم دائمی از سوی شارع، نه مطلق بیان حکم شرعی ولو با ابلاغ آن از سوی معصوم (ضیائی‌فر، فلسفه علم فقه، ۴۰۲).

دارد. هر دو طرف، احتمال داده می‌شود و نمی‌توان گفت قاعده اولی در یکی از دو طرف وجود دارد و کسی که ادعای وجود قاعده در یکی از دو طرف را دارد باید دلیل بیاورد. آری از آنجا که معصوم مرتکب حرام نمی‌شود در خصوص اعمال وی که بر جواز تکلیفی عمل دلالت می‌کند نمی‌توان در غیرعبادات حکم وضعی مانند شرطیت را از آن استفاده کرد، مگر با دلیل و قرینه معتبر.

### ۹. قاعده اولی ثبات تحدیدهای کمی در عبادات و عدم قاعده اولی ثبات در تحدیدهای کمی مستفاد از روایات در غیرعبادات

در فقه چه در ابواب عبادات و چه در ابواب غیرعبادات، تحدیدهایی کمی<sup>۱</sup> و کیفی<sup>۲</sup> وجود دارد. محل بحث در اینجا تحدیدهای کمی است، نه کیفی. همچنین گاهی تحدیدهای کمی در آیات و گاهی در روایات بیان شده است. آنچه محل بحث است تحدیدهای کمی در روایات است؛ چون آنچه در آیات است علی القاعده از شأن ابلاغ پیامبر (ص) است، ولی در روایات احتمال صدور از دیگر شئون معصوم داده می‌شود و در نتیجه احتمال تغییر در آن وجود دارد. افزون بر آن، آنچه در قرآن است به دلیل ادله جاودانگی قرآن علی القاعده جاودانه است، مگر دلیلی بر خلافش باشد.<sup>۳</sup>

قاعده اولی بر ثبات تحدیدهای کمی است که در روایات، احکام عبادی بیان شده است؛ چون باتوجه به اینکه شارع در حوزه عبادات مؤسس است، علی القاعده هر چه می‌گوید طبق بنیان‌گذاری است، مگر دلیل معتبری بر خلاف آن باشد؛ لذا فتوا به تغییر تحدید کمی که در روایات آمده است در این حوزه برخلاف قاعده است و به دلیل معتبری نیاز دارد، پس قاعده اولی بر ثبات آن‌هاست؛ مانند فاصله شنیده نشدن اذان شهر برای حد ترخص، ولی هم تحولات گوناگون در غیرعبادات وجود دارد و هم احتمال تغییر در امور مربوط به تحدیدهای کمی فراوان است و هم شارع در این حوزه تأییدکننده و اصلاح‌گر است، نه بنیان‌گذار تا آنچه می‌گوید با انجام می‌دهد بر صدور از شأن بیان حکم شرعی حمل شود؛ از این رو با این احتمال‌ها احراز شکل‌گیری قاعده اولی به شدت تضعیف می‌شود، درحالی که ادعای قاعده اولی به احراز نیاز دارد و در صورتی احراز می‌شود که احتمال عقلایی قوی وجود داشته باشد که موجود نیست، پس ادعای ثبات تحدیدهای کمی که در روایات غیرعبادی آمده است، به دلیل اثبات‌کننده‌ای نیاز دارد؛ لذا ثبات و عدم ثبات باید در هر موردی بررسی شود و هر طرف که دلیل معتبری داشت به آن پایبند بود و در نتیجه

۱. نظیر ۱۵ بار شیر خوردن بچه از غیرمادر که سبب محرمیت می‌شود.

۲. نظیر شیر خوردن بچه از مادر رضاعی به اندازه‌ای که گوشش برآید و استخوانش محکم شود که سبب محرمیت می‌شود.

۳. مانند: «مِنْ رِبَاطِ الْخَلِّ» (انفال: ۶۰) که امری جاودانه نیست، بلکه «وَأَعَدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» دستوری جاودانه است.

نمی‌توان گفت قاعده اولی ثبات تحدیدهای کمی مذکور در روایات احکام غیرعبادی به صورت کلی وجود دارد؛ مانند یک سال فرصت برای ثبوت حق فسخ ازدواج برای زنی که شوهرش عنین است یا یک سال فرصت اعلام برای کالای پیداشده.

## ۱۰. قاعده اولی جمود بر نص و عدم تعدی در عبادات و نبود قاعده اولی در غیر عبادات

تعدی و عدم تعدی از مورد نص از دشواری‌های اجتهاد است، به گونه‌ای که برخی از فقیهان آن دورا از زمره مباحث دایر میان واجب و حرام شمرده‌اند.<sup>۱</sup> برخی از فقیهان، تعدی را امر قابل ضابطه‌مندی ندانسته و آن را به تشخیص فقیه در هر مورد وابسته دانسته‌اند<sup>۲</sup> و بسیاری از فقیهان به طور کلی قاعده اولی را بر عدم اعتبار تعدی دانسته‌اند،<sup>۳</sup> ولی می‌توان گفت قاعده اولی در عبادات این است که بر آنچه در نص آمده است اقتصار کنیم؛ چون همه خصوصیات عبادات، توفیقی است و مستقیماً در دست شارع است و تعدی از آن‌ها برخلاف قاعده است و به دلیل معتبری نیاز دارد،<sup>۴</sup> ولی ویژگی‌های غیرعبادات، توفیقی نیست گرچه تحت نظارت و مداخله شارع قرار دارد و علی‌القاعده در دست عقلاست و مداخله‌های شارع برخلاف قاعده و استثنایی و تنها به منظور ابطال ارتکازها و رویه‌های عقلایی است. پس علی‌القاعده هر چه عقلا معتبر می‌دانند معتبر است، مگر اینکه دلیل معتبری برخلافش باشد. ادعای قاعده اولی جمود بر نص در این زمینه به دلیل معتبر نیاز دارد، بلکه طبق ارتکازها و رویه‌های عقلایی عمل می‌شود، مگر دلیل یا قرینه معتبری برخلافش باشد، همان‌طور که در لابه‌لای کلمات برخی از فقیهان به آن اشاره شده است.<sup>۵</sup>

## نتیجه‌گیری

در این نوشتار برخی تفاوت‌ها میان عبادات و غیرعبادات در ضوابط استنباطی تبیین و استدلال‌هایی برای اثبات آن فراهم شد. مهم‌ترین تفاوت‌هایی که تاکنون نگارنده به آن‌ها دست یافته و توانسته است برای اثبات آن‌ها استدلال موجهی فراهم کند، بیان شد.

۱. این بحث از این نظر مهم است که به یکی از ضروری‌ترین مباحث اجتهاد در عصر حاضر

۱. بهبهانی، الفوائد الحارثیه، ۲۸۹.

۲. رشتی، کتاب الإجارة، ۱۱۳.

۳. آشتیانی، کتاب القضاء، ۳۶۹/۱؛ عراقی، شرح تبصرة المتعلمین، ۲۵۲/۱.

۴. همدانی، مصباح الفقیه، ۳۸۴/۳؛ سبحانی تبریزی، کتاب النکاح، ۱۱۵/۱.

۵. مقدس اردبیلی، مجمع الفایده و البرهان، ۲۹۹/۱۰ و ۳۹۴/۱۱ و ۱۴۴/۱۳؛ منتظری، دراسات فی مکاسب المحرمه، ۱۳۰/۲.

می‌پردازد.

۲. تخصصی شدن اجتهاد به اموری وابسته است که یکی از آنها تخصصی شدن ضوابط استنباط است و این بحث یکی از زمینه‌های لازم و مهم را برای تخصصی شدن اجتهاد فراهم می‌آورد.

۳. این بحث افق جدیدی را پیش روی اجتهاد و دانش اصول باز می‌کند و زمینه را برای شناسایی دیگر تفاوت‌ها فراهم می‌آورد.

۴. این بحث تفاوت‌های ژرفی را در استنباط، به‌ویژه در استنباط احکام غیرعبادی به همراه می‌آورد.

۵. مهم‌ترین تفاوت‌هایی که بررسی شد عبارت‌اند از: قاعده اولی شرعی بودن ماهیت، حکم و ملاک احکام غیرعبادی و قاعده اولی عقلایی بودن ماهیت، حکم و ملاک احکام غیرعبادی، کشف موضع شارع از سیره ردع نشده در احکام عبادی و عدم کشف موضع شارع از سیره ردع نشده در احکام غیرعبادی، دلالت فعل معصوم بر استحباب در عبادات و عدم دلالت معصوم بر استحباب در غیرعبادات، قاعده اولی حجیت سیره‌های عقلایی در احکام غیرعبادی و نبود قاعده اولی عدم حجیت سیره‌های عقلایی در احکام عبادی، قاعده اولی تفسیر مفاد نص به مرتکزات عقلایی در غیرعبادات و نبود قاعده اولی تفسیر مفاد نص به مرتکزات عقلایی در عبادات، قاعده اولی صدور از شأن بیان موضع شریعت در عبادات و نبود قاعده اولی در معاملات، قاعده اولی ثبات تحدیدهای کمی در عبادات و نبود قاعده اولی ثبات در تحدیدهای کمی در غیرعبادات، قاعده اولی جمود بر نص و عدم تعدی در عبادات و نبود قاعده اولی در غیرعبادات.

۶. این تفاوت‌ها، تنها بخشی از ضوابط اصولی متفاوت در این دو حوزه است. امید است با تتبع گسترده و تأمل فراوان، تفاوت‌های اصولی که میان این دو حوزه است روزبه‌روز بیشتر شناخته و ارائه شود و با گشودن بابی در این زمینه، به سوی هرچه بیشتر تخصصی شدن اجتهاد گام‌های بزرگی برداشته شود.

## منابع

قرآن کریم

ابن‌ادریس، محمدبن‌احمد. السرائر. قم: مؤسسه نشر اسلامی. چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.

استادی، رضا. شرح احوال حضرت آیت‌الله العظمی اراکی. اراک: انجمن علمی هنری استان اراک. چاپ اول، ۱۳۷۵.

آخوند خراسانی، محمدکاظم‌بن‌حسین. کفایة الأصول. بیروت: آل‌البیت. چاپ دوم، ۱۴۱۲ق.

آشتیانی، محمدحسن‌بن‌جعفر. کتاب القضاء. قم: زهیر-کنگره علامه آشتیانی (ره). چاپ اول، ۱۴۲۵ق.

آل‌شیخ‌راضی، محمدطاهر. بدایة الوصول. قم: دار الهدی. چاپ دوم، ۱۴۲۶ق.

آل کاشف الغطاء، محمدحسین. تحریر المجلة. تهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامية. چاپ اول، ۱۴۲۴ق.

بهبهانی، محمدباقر بن محمداکمل. الفوائد الحائرية. قم: مجمع الفكر الإسلامی. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

\_\_\_\_\_ مصابيح الظلام. قم: مؤسسة علامه وحید بهبهانی. چاپ اول، ۱۴۲۴ق.

حر عاملی، محمدبن حسن. الفصول المهمة فی أصول الأئمة. قم: مؤسسة معارف اسلامی امام رضا. چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

حسینی حانری، کاظم. فقه العقود. قم: مجمع اندیشه اسلامی. چاپ دوم، ۱۴۲۳ق.

حلی، حسین. اصول الفقه. قم: مكتبة الفقه و الأصول المختصة. چاپ اول، ۱۴۳۲ق.

حیدری، سیدکمال. الدروس شرح الحلقة الثانية. مقرر: علاء سالم. قم: دار فراق. چاپ اول، ۱۴۲۸ق.

خمینی، روح الله. تنقیح الأصول. مقرر: تقوی اشتهاردی. تهران: مؤسسة تنظیم و نشر آثار امام خمینی. چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

رشتی، حبیب الله بن محمدعلی. كتاب الإجارة. بی جا: بی نا. چاپ اول، ۱۳۱۱ق.

روحانی، صادق. فقه الصادق (ع)، قم: مدرسة امام صادق (ع). چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

سبحانی تبریزی، جعفر. دراسات موجزة فی الخيارات و الشروط. قم: المركز العالمی للدراسات الإسلامية. چاپ اول، ۱۴۲۳ق.

\_\_\_\_\_ كتاب النکاح. قم: مؤسسة امام صادق (ع). چاپ اول، ۱۴۱۶ق.

\_\_\_\_\_ ارشاد العقول الی مباحث الأصول. مقرر: محمدحسین حاج عاملی. قم: مؤسسة امام صادق (ع). چاپ اول، ۱۴۲۴ق.

سروش، عبدالکریم. فقه در ترازو، اندر باب اجتهاد. به کوشش سعید عدالت نژاد. تهران: طرح نو. چاپ اول، ۱۳۸۲.

شهید اول، محمدبن مکی. القواعد و الفوائد. قم: دار المقید. چاپ اول، ۱۴۰۰ق.

شهید ثانی، زین الدین بن علی. تمهید القواعد. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه. چاپ اول، ۱۴۱۶ق.

\_\_\_\_\_ مسالک الأفهام. قم: مؤسسة معارف اسلامی. چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

صافی اصفهانی، حسن. الهدایة فی الأصول. مقرر: آیت الله ابوالقاسم خوئی. قم: مؤسسة صاحب الأمر. چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی. چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.

صدر، محمدباقر. بحوث فی علم الأصول. مقرر: محمود هاشمی شاهرودی. قم: مؤسسة دائرة المعارف فقه اسلامی.

چاپ سوم، ۱۴۲۶ق.



ضیائی فر، تفاوت‌های ضوابط استنباطی در احکام عبادی و غیرعبادی/۱۶۵

ضیائی فر، سعید. فلسفه علم فقه. قم و تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت. چاپ دوم، ۱۳۹۷.  
\_\_\_\_\_ «قاعده اولی حجیت سیره‌های عقلایی در غیرعبادات»، جستارهای فقهی اصولی. ش ۱۷، ۱۳۹۸،  
DOI ۲۰۱۹/۵۳۴۷۲/۱۶۳۹/JRJ.۱۰/۲۲۰۳۴ ۲۷تا۲۸

\_\_\_\_\_ «معنا و اقتضانات اجتهاد تخصصی در عبادات و غیرعبادات براساس ایده آیت‌الله عبدالکریم  
حائری یزدی»، جستارهای فقهی اصولی. ش ۲۸، ۱۴۰۱، ۹۵تا۹۶. DOI ۲۰۲۲/۶۳۶۱۴/۲۴۵۵/JRJ.۰/۲۲۰۳۴ ۲۰تا۲۲  
عاملی، جواد. مفتاح الكرامة. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ اول، ۱۴۱۹ق.  
عراقی، ضیاء‌الدین. شرح تبصرة المتعلمین. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ اول، ۱۴۱۴ق.  
علم‌الهدی، علی‌بن‌حسین. الانتصار فی انفرادات الإمامیة. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.  
فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة: المكاسب المحرمة. قم: مرکز فقهی ائمه  
اطهار(ع). چاپ اول، ۱۴۲۷ق.

فنائی، ابوالقاسم. اخلاق دین‌شناسی. تهران: نگاه معاصر. چاپ اول، ۱۳۸۹.  
کاشف الغطاء، علی‌بن‌محمد رضا. النور الساطع. نجف: مطبعة الآداب. چاپ اول، ۱۳۸۱ق.  
کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیة. چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.  
مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. مجمع الفائدة والبرهان. قم: مؤسسه نشر اسلامی. چاپ اول، ۱۳۶۲.  
مکارم شیرازی، ناصر. انوار الفقاهة: کتاب النکاح. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب(ع). چاپ اول، ۱۴۲۵ق.  
منتظری، حسینعلی. دراسات فی المكاسب المحرمة. قم: تفکر. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.  
مؤمن، محمد. اصول فقه حکومتی. به کوشش رضا اسلامی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. چاپ اول،  
۱۳۸۷.

هاشمی شاهرودی، محمود. کتاب الحج. مقرر: محمدابراهیم جناتی. قم: انصاریان. چاپ اول، ۱۴۰۲ق.  
همدانی، رضابن محمد هادی. مصباح الفقیه. قم: مؤسسه الجعفریة لإحیاء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی. چاپ  
اول، ۱۴۱۷ق.

پرتال جامع علوم انسانی